

# فرهنگ و تاریخ

○ تهاجم به مدرسه فیضیه، عکس العمل امام و واکنش علما

○ نهضت پانزده خرداد در استان فارس

○ حرکت ۱۷ خرداد ۱۳۵۲ فیضیه

○ اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی ایران

○ طرح تدوین تاریخ انقلاب اسلامی

## تهاجم به مدرسه فیضیه عکس العمل امام و واکنش علما

سعید عظیمی نیا

مدرسه فیضیه، از بناهای عهد صفویه است که در جنب صحن قدیمی حرم مطهر حضرت معصومه (س) در قم بنا شده است. تاریخ بنای آن را سال ۹۳۴ هـ. ق دانسته اند<sup>۱</sup>. با تأسیس حوزه علمیه قم توسط آیت ا... حائری، مدرسه فیضیه رونق خود را بازیافت؛ به طوری که در عصر مرجعیت آیت ا... بروجردی، این مدرسه به صورت مرکزی برای روحانیون قم درآمد. از سال ۱۳۴۱ هـ. ش تحول نوینی به رهبری امام خمینی (ره) در مدرسه فیضیه به وجود آمد؛ به طوری که پس از سالهای متمادی، روح تازه‌ای بر کالبد این مدرسه دمیده شد، و سر منشاء بسیاری از تحولات مهم در سراسر کشور گردید. مدرسه فیضیه، بعد از قیام ۱۵ خرداد، بسیاری از محافل سیاسی را تحت الشعاع خود قرار داد و مردم، یگانه ملجاء خود را برای رهایی از یوغ نظام ستم شاهی، از درون حجره‌ها و افکار روحانیون جستجو نمودند، و در سایه رهبری امام خمینی و پیروی از رهنمودهای ایشان، در مبارزه‌ای طولانی، نظام پهلوی را سرنگون کردند، و نظام جمهوری اسلامی را به ارمغان آوردند.

با فوت آیت ا... بروجردی<sup>۲</sup> و آیت ا... کاشانی<sup>۳</sup>، دو مانع اصلاحات برداشته شد. رژیم شاه تصور می‌کرد که دیگر مانعی در مقابل اجرای اصلاحات دیکته شده از سوی

۱. نهضت روحانیون ایران: علی دوانی، تهران، بنیاد فرهنگی امام رضا، ج ۳، ص ۲۶۰.  
 ۲. آیت ا... بروجردی از جمله علمای مشهور و معروف و مرجع تقلید در قرن چهاردهم هجری بود، که در تاریخ ۱۰ فروردین ۱۳۴۰ به وصال حق رسید.  
 ۳. آیت ا... کاشانی از جمله رهبران مذهبی و روحانی مبارزی بود که روزگاری نامش لرزه بر اندام شاه می‌انداخت و در اسفند سال ۱۳۴۱، دار فانی را وداع گفت.

آمریکا وجود ندارد.

بنابراین دست به تصویب قوانینی زد<sup>۱</sup> که متناسب با روح اسلام و فرهنگ جامعه نبود. رحلت آیت ا... بروجردی، این توهم را برای شاه و دولتمردان وقت ایجاد نموده بود که، روحانیت ایران تضعیف شده و شهر قم به عنوان یکی از کانونهای عمده مبارزه روحانیت با رژیم، مرکزیت خود را از دست داده است. روی این اصل، رژیم شتاب بیشتری به اصلاحات مورد نظر آمریکا داد و همزمان کوشید تا امر مرجعیت را به خارج از ایران منتقل نماید.<sup>۲</sup> این امر باعث شد تا مراجع عظام، تقلید، و در رأس آنها امام خمینی(ره) علیه خودکامگی های رژیم، واکنش نشان داده و رژیم را از روندی که نسبت به طرد احکام اسلام در پیش گرفته بود، باز دارند. این گونه برخورد، یعنی مقابله مستقیم با حکومت از سوی روحانیت، از ابتدای سلطنت محمدرضا تا این زمان سابقه نداشت.<sup>۳</sup> بنابراین باید سال ۴۱ خورشیدی را سرفصل تازه ای در تاریخ اسلام و ایران دانست. در این سال پس از یک دوره اعتراضها و انتقادهای شدید از سوی روحانیت بویژه امام(ره)، نسبت به شیوه های حکومتی، حوادثی روی داد که منجر به رویارویی مستقیم روحانیون با رژیم گردید. سرآغاز این حرکت، تهاجم جدی رژیم پهلوی علیه ارزشهای دینی بود.

### لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی

در ۱۶ مهرماه ۱۳۴۱، اولین اقدام دولت علم - لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی - برای اجرای سیاستهای دیکته شده از طرف آمریکا، اعلام می شود. این لایحه که در هیئت دولت به تصویب رسید، در غیاب مجلس<sup>۴</sup> حکم قانون داشت و در واقع زمینه سازی برای لوایح و قوانین دیگر بود. در این لایحه به طور مشخص ۳ موضوع وجود داشت:

۱. از جمله این قوانین، اصلاحات ارضی و لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی بود.
۲. حدیث بیداری: حمید انصاری، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) تهران، ۱۳۷۴، ص ۳۸.
۳. از سید ضیاء تا بختیار: مسعود بهنود، تهران، چاپخانه علمی ۱۳۶۹، ص ۴۸۰.
۴. منظور، مجلس دوره بیستم است که انتخابات آن در سال ۱۳۳۹ برگزار شد و فقط اللهیار صالح از نیروهای ملی به مجلس راه پیدا کرد. به همین دلیل همه نیروهای ملی و مخالف، انتخابات را قلابی خواندند. به طوری که تا نیمه دوم سال ۴۲ مجلس وجود نداشت.

تهاجم به مدرسه فیضیه، عکس العمل امام و واکنش علما

۱. حذف اعتقاد به دین اسلام از شرایط نمایندگی مجلس.  
۲. سوگند به کتابهای آسمانی به جای سوگند به قرآن، هنگام مراسم تحلیف نمایندگان مجلس.

۳. تساوی کامل حقوق زن و مرد و شرکت زنان در انتخابات مجلس و نمایندگی مجلس

موارد یک و دو، در واقع با هدف حذف تدریجی اسلام به عنوان دین رسمی کشور مطرح شد و مورد سوم هدفی خاص داشت.

«تفویض حق رأی به زنان»، که تیتراژ روزنامه‌ها شده بود<sup>۱</sup>، اقدامی خلاف شرع و ضد اسلامی نبود؛ اما رژیم می‌خواست علاوه بر نوعی اسلام‌زدایی، هرگونه مخالفتی با این لایحه را مخالفت با حقوق زن و آزادیهای مشروع او جلوه دهد. روحانیت در این زمان معتقد بود که عنوان کردن حق رأی برای زنان، صرفاً یک عوام‌فریبی است؛ زیرا همه می‌دانستند که مردان هم در واقع حق رأی نداشتند و هرکس که مورد نظر بود، همان از صندوق به عنوان وکیل بیرون می‌آمد. پیدا بود که در چنین شرایطی، عنوان کردن حق رأی برای زنان، صرفاً یک مانور تبلیغاتی دروغین بود که در پرتو آن می‌خواستند هرچه بیشتر حریم اسلام و روحانیت شکسته شود. امام خمینی در رابطه با مسئله آزادی زنان، فرمودند: «ما با ترقی زنها مخالف نیستیم، ما با فحشا مخالفیم. با این کارهای غلط مخالفیم. مگر مردها در این مملکت آزادی دارند که زنها داشته باشند، مگر آزادی زن و آزادی مرد با لفظ درست می‌شود»<sup>۲</sup>.

به طوری که ملاحظه می‌شود، مهمترین اصول و اکنش برانگیز این لایحه، الغای شرط اسلامی بودن، و شرط مرد بودن برای انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان، که بر اساس آن پس از مشروطه زنان اوکین بار، اجازه شرکت در انتخابات را پیدا می‌کردند، هدف اصلی رژیم از تصویب لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی، ارزیابی شرایط و زمینه‌سازی برای اجرای طرحهای بعدی و اصول به اصطلاح انقلاب سفید بود.

### شروع نهضت

با انعکاس خیر لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی در مطبوعات، روحانیت به رهبری

۱. روزنامه کیهان: ۱۶ مهر ۱۳۴۱.  
۲. سخنرانی دوم ذیحجه ۱۳۸۳ ه. ق.

تاجم به مدرسه فیضیه، عکس العمل امام و واکنش علما

مراجع، بویژه حضرت امام خمینی، مخالفت خود را با صدور اعلامیه و تلگراف به دولت و شاه و سخنرانی در محافل و جلسات اعلام نمود<sup>۱</sup>. مردم نیز به پیروی از علما، حرکت علیه دولت را آغاز کردند.

حرکت روحانیون، ابتدا به صورت تند و با قصد تغییر نظام نبود، بلکه دلایل شرعی داشت. به عنوان مثال: در اولین اعلامیه های امام خمینی، با کلامی ساده و قابل فهم، بر روی مواردی تکیه شده بود، که کمتر به مسئله حقوق زنان و اصلاحات ارضی مربوط می شد. لحن کلی اعلامیه ها این بود که، مردم به طغیان خویش علیه شاه ادامه دهند و بر حفظ اسلام و موازین اسلامی توسط شاه، تأکید کنند. در این مرحله، علما با شاه مکاتبه می کنند و نماینده او را می پذیرند و مذاکره می کنند. به طوری که در اولین تلگراف امام خطاب به شاه، در ۱۵ آبان ۴۱ آمده است:

«انتظار ملت مسلمان آن است که با امر اکید، آقای عَلم را ملزم فرمائید از قانون اسلام و قانون اساسی تبعیت کند»<sup>۲</sup>.

شاه در پاسخ تلگرام مراجع، موضوع را به نخست وزیر و دولت محوگ کرد. بعد از محوگ شدن موضوع به عَلم، مراجع قم، تلگرامهایی را برای او به عنوان نخست وزیر مخابره نمودند<sup>۳</sup>، به طوری که امام در اولین تلگراف خود به نخست وزیر در تاریخ ۴۱/۷/۲۷ هشدار دادند:

«در تعطیلی طولانی مجلسین، دیده می شود که دولت اقداماتی را در نظر دارد که مخالف شرع اقدس و مبانی صریح قانون اساسی است»<sup>۴</sup>.

## لغو لایحه

علیرغم مقاومت دو ماهه دولت، و برخورد متکبرانانه شاه، سرانجام با اصرار مراجع و گسترش حرکت های مردمی، و وحشت رژیم از رشد نهضت، عَلم در ۱۰ آذرماه ۴۱، اعلام کرد که قانون مربوط به انجمن های ایالتی و ولایتی، قابل اجرا نخواهد بود.

۱. ایران و انقلاب اسلامی: حامد الگار، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ص ۷۲.

۲. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی: پرونده اسناد امام خمینی (ره)، سند شماره ۱۰۰/۷، مورخه ۴۱/۸/۱۵.

۳. نهضت روحانیون ایران: ج ۳، ص ۱۲۰.

۴. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی: پرونده اسناد امام خمینی (ره)، سند شماره ۱۰۰/۱۵، مورخه ۴۱/۷/۲۷.

بنابراین، با موضعگیری امام و سایر مراجع، این غائله پایان یافت<sup>۱</sup>، و اعلام لغو مصوبه توسط دولت، موجب خوشحالی مردم و علما گردید و این موضوع اولین پیروزی سیاسی ملت ایران به رهبری امام، بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ بود.

### مخالفت با رفورم آمریکایی

در حدود ۳۹ روز بعد از اعلام خیر لغو مصوبه دولت، شاه در ۱۹ دی ۴۱ برنامه رفورم خود را با عنوان «اصول شش گانه انقلاب سفید»<sup>۲</sup> اعلام کرد و به فراندم گذاشت. این انقلاب، از دیدگاه بسیاری از مردم، تنها از آن جهت سفید خوانده می شد که بنیادش در کاخ سفید نهاده شده بود.<sup>۳</sup> به محض اعلام فراندم، مطبوعات داخلی و خارجی، با طرح قبلی، در حمایت از شاه بسیج شده و اعلام داشتند:

«ملت با اکثریت عظیمی در تصویب ملی به ندای شاهنشاه پاسخ مثبت خواهد داد»<sup>۴</sup>.

هدف شاه از طرح فراندم، تحکیم سلطه آمریکا، از بین بردن کشاورزی، رواج زندگی مصرفی و ایجاد صنایع وابسته بود. روی این اصل، علما و مراجع، بخصوص امام خمینی، قاطعانه در مقابل حرکت جدید رژیم ایستادگی و مخالفت کردند؛ به طوری که در اول بهمن ۴۱ اعلامیه های مراجع، از جمله امام، در تحریم فراندم منتشر شد. در اعلامیه امام آمده بود:

«این فراندم اجباری مقدمه ای برای از بین بردن مواد مذهب است»<sup>۵</sup>.

پخش اعلامیه امام و سایر مراجع در تهران و قم، شور و هیجان زیادی ایجاد کرد؛ به طوری که مردم دست از کار کشیده و به تظاهرات علیه فراندم پرداختند. شاه ناگزیر،

۱. تندرترین اعلامیه و تلگراف به علم، در ۵ آذر ۴۱ توسط امام منتشر شد، که متن آن در کتاب صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۵ درج شده است.  
 ۲. عناوین اصول شش گانه عبارت بودند از: ۱. الغای رژیم ارباب و رعیتی ۲. ملی شدن جنگلها ۳. سیاه دانش ۴. فروش سهام کارخانجات دولتی به عنوان پشتوانه اصلاحات ارضی ۵. سهمی کردن کارگران در منافع کارگاههای صنعتی ۶. لایحه اصلاح قانون انتخابات.  
 ۳. ایران و انقلاب اسلامی: ص ۶۹.  
 ۴. روزنامه اطلاعات ۲۰ دی ۴۱: به نقل از خیرگزاری آسوشیتدپرس و دیگر خبرگزاریهای غربی.  
 ۵. این اعلامیه در پاسخ به سؤال جمعی از متدینین تهران، که نظر ایشان را راجع به فراندم پرسیده بودند منتشر شد: نهضت روحانیون ایران: ج ۳، ص ۲۰۹.

توجه به مدرسه فیضیه، عکس العمل امام و آکنش علما

برای کاهش دامنه مخالفتها، در روز ۴ بهمن ۴۱ عازم قم شد. لکن علما ورودش را به قم تحریم نمودند. شاه از وضعیّت پیش آمده عصبانی شد، لذا در سخنانش به بازاریان و روحانیّت حمله کرد و حرکت علمای اسلام را «ارتجاع سیاه»<sup>۱</sup> نامید. با وجود جوّ ایجاد شده، در روز ۶ بهمن ۴۱ رفراندم برگزار شد و روز ۷ بهمن ۴۱ روزنامه‌ها از قول منابع رسمی نوشتند:

«۵ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر ایرانی به اصلاحات رأی دادند و تعداد آراء مخالفان نیز رقمی معادل ۴۱۵۰ رأی اعلام شد»<sup>۲</sup>.

بعد از اعلام نتایج رفراندم و تلگراف تشکرآمیز کندی (رئیس جمهوری آمریکا) سرکوب حرکت‌های مخالف، با شدت بیشتری از سر گرفته شد. درست یک ماه بعد از اعلام نتایج رفراندم، شاه طی نطقی به استناد این اصل قانون اساسی که:

«مجلس شورای ملی نماینده قاطبه اهالی مملکت است» اعلام داشت که، نصف جمعیت این مملکت تاکنون برخلاف اصل مسلم قانون اساسی، از حق خود محروم مانده و ما این آخرین ننگ اجتماعی را در انتخابات آینده بر طرف خواهیم کرد<sup>۳</sup>. هیئت دولت نیز در اجرای دستور شاه، روز نهم اسفند ۴۱، رسماً حق مشارکت زنان را در انتخابات آینده مجلس شورای ملی تصویب و اعلام نمود.

علما و مراجع قم، در برابر این تصمیم غیر قانونی شاه و دولت عکس العمل نشان داده و پس از ذکر دلایل غیر قانونی بودن این تصمیم، اعلام داشتند:

«حتی اگر نظر دولت را در این مورد بپذیریم، از صدر مشروطیّت تاکنون، تمام دوره‌های مجلس شوری، برخلاف قانون اساسی تشکیل شده و قانونیّت نداشتند، زیرا که طایفه نسوان، و بیش از ده طبقه دیگر، در قانون انتخابات از دخالت محروم شده‌اند و این مخالف با قانون اساسی است». در پایان این اعلامیه مؤکداً آمده است:

«تصویب نامه اخیر دولت راجع به شرکت نسوان در انتخابات، از نظر شرعی بی اعتبار و از نظر قانون اساسی لغو است»<sup>۴</sup>.

۱. کوثر، همراه با شرح وقایع انقلاب اسلامی: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ج ۱، ص ۳۴.

۲. بررسی انقلاب ایران: ع باقی، نشر تفکر، چاپخانه نمونه قم، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۶۷.

۳. بدر و پسر: محمود طلوعی، نشر علم، چاپ سوم، ص ۷۲۵.

۴. اسناد انقلاب اسلامی: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۹.

دو هفته بعد از صدور این اعلامیه، یعنی در روز ۲۳ اسفند ۴۱، شاه به هنگام بازدید از پایگاه هوایی دزفول، کلمات زنده‌ای نسبت به روحانیت ایراد کرد، که تأثیر بدی بر جای گذاشت. شاه گفت: «این عناصر فرومایه با همفکران ارتجاعی خودشان، اگر از خواب غفلت بیدار نشوند، مشقت عدالت چنان مثل صاعقه در هر لباسی که باشند، بر سر آنها کوفته خواهد شد<sup>۱</sup>». تصور اولیه سردمداران رژیم این بود که، این گونه اقدامات منجر به از بین رفتن مخالفین و مایوس شدن مردم و روحانیت از تداوم مبارزه خواهد شد. لکن گذشت زمان خلاف این امر را ثابت نمود.

### فاجعه فیضیه

با فرارسیدن نوروز ۴۲، که بنا به سنت معمول، همه مردم حلول سال نور را جشن می‌گیرند، حرکتی دیگر توسط روحانیت و در رأس آنها امام خمینی آغاز شد. این حرکت، تحریم مراسم نوروز از طرف امام و سایر مراجع، به نشانه مخالفت با برنامه‌های ضداسلامی رژیم بود؛ به طوری که در اواخر اسفند ۴۱، امام با صدور اعلامیه، نوروز ۴۲ را عزای عمومی اعلام کردند و در پیامی که به صورت اعلامیه برای علمای تهران و شهرستانها ارسال نمودند، اظهار داشتند:

«اینجانب عید نوروز را به عنوان عزا و تسلیت به امام عصر عجل الله تعالی فرجه، جلوس می‌کنم و به مردم اعلام خطر می‌نمایم. مقتضی است حضرات آقایان نیز همین رویه را اتخاذ نمایند تا ملت مسلمان از مصیبت‌های وارده بر اسلام و مسلمین اطلاع حاصل نمایند<sup>۲</sup>».

با انتشار اعلامیه امام، جمعی از علمای تهران و قم، از جمله آیت‌ا... بهبهانی و میلانی، و علمای دیگر، نیز اعلام عزا نمودند<sup>۳</sup>. بر سر در مدارس علوم دینی پرچمی نصب شد که بر روی آن نوشته بود: «امسال مسلمین عید ندارند». در واقع امام مصمم بود که از هر اقدام مشروعی علیه رژیم استفاده کند، تا بتواند ماهیت رژیم و سیاست‌های ضد مردمی‌اش را افشا کند. به طوری که علاوه بر آن اعلامیه، در سخنان خود نیز بر این

۱. روزنامه کیهان، ۲۴ اسفند ۴۱.  
۲. آرشیو اسناد انقلاب اسلامی: پرونده اسناد امام خمینی، سند شماره ۵۸/۱۰۰ مورخه ۲۳/۱۲/۱۳۴۱.  
۳. پرونده فعالیت روحانیون: ج ۳، سند شماره ۵۶.



موضوع تأکید می‌ورزید.

به بخشی از سخنان ایشان که در پایان درس روز آخر سال ۴۱ ایراد شده است و توسط یکی از مأموران ساواک گزارش گردیده، توجه فرمائید:

«ریاست ساواک تهران ۴۱۳- ۴۱/۱/۱»

گزارش تا ساعت ۱۷/۳۰ و ۴۱/۱/۱ به شرح زیر است:

عصر روز ۴۱/۱۲/۲۹ [امام] خمینی در مسجد اعظم مطالبی به شرح زیر اظهار داشت: آقای علم بیسواد است - اطرافیان شاه خائن هستند - من نمی‌ترسم و مبارزه را ادامه خواهم داد، دولت به دین اسلام صدمه می‌زند و ما عید نداریم و مردم این دولت را نمی‌خواهند».

همزمانی نوروز و تحریم مراسم عید، و سالگرد شهادت امام صادق (ع)، فرصتی مناسب برای علما و روحانیون ایجاد کرد تا در پرتو آن راجع به اوضاع جاری کشور گفت و گو کنند و مردم را به قیام علیه رژیم دعوت نمایند. از سوی دیگر، رژیم به دنبال فرصتی برای ایجاد درگیری ساختگی بین دهقانان از یک طرف، و مردم از طرف دیگر، بود، تا وسیله‌ای برای توجیه دخالت پلیس و سرکوب مردم فراهم شود. همه این مسائل، بیانگر وقوع حادثه‌ای بزرگ بود.

بامداد دهم فروردین ۴۲، عده‌ای کماندو، با لباسهای روستایی و مجهز به اسلحه، از تهران به قم آمدند، و به مانور در خیابانهای شهر پرداختند. آن روز به مناسبت سالگرد شهادت امام صادق (ع) مجالس عزادار منزل مراجع (آیات عظام آقایان خمینی، مرعشی نجفی و شریعتمداری) برپا شد. بعد از ظهر دوم فروردین نیز مجلس سوگواری از طرف آیت ا... گلپایگانی، با حضور ایشان در مدرسه فیضیه برقرار شد، که اقشار مختلف مردم در آن حضور داشتند. در اواسط سخنرانی یکی از طلاب، عمال رژیم وارد مدرسه شده و مردم و طلبه‌ها را مورد حمله قرار دادند. تعدادی از طلاب به طبقه فوقانی مدرسه رفتند و با پرتاب سنگ و آجر از خود دفاع نمودند، که این اقدام باعث عقب نشینی موقتی مأموران رژیم گردید، تا اینکه نیروهای امدادی و شهربانی حمله به مدرسه را آغاز کرده و شروع به تیراندازی به طرف طلاب نمودند. چون مدرسه مقاومت می‌کرد، یورش دیگری آغاز شد و مأموران رژیم وارد حجره‌های طلاب شده و پس از متلاشی کردن تمام اسباب و اثاثیه، آنان را مورد ضرب و شتم

قرار دادند.<sup>۱</sup>

تعداد مصدومین و شهدا<sup>۲</sup> به دلیل پراکندگی و همچنین جمع آوری آنان توسط کماندوها، مشخص نشد. مدرسه طالبیه تبریز نیز با حادثه‌ای شبیه آنچه در مدرسه فیضیه رخ داد، روبه‌رو شد، که به زد و خورد مأموران ساواک و طلاب منجر گردید.<sup>۳</sup>

### پیامدهای فاجعه فیضیه و عکس‌العمل مراجع

مدت زیادی از وقوع این حادثه نگذشته بود که، خبر آن در سراسر ایران و عراق انتشار یافت. هر چند رژیم شاه سعی داشت حمله به مدرسه فیضیه را - علی‌رغم بازتاب گسترده آن - کوچک و بی‌اهمیت جلوه دهد، اما این فاجعه تأثیر عمیقی بر توده مردم و روحانیت گذاشت. به طوری که یکی از عوامل زمینه‌ساز قیام ۱۵ خرداد چهل و دو گردید. چنین اقدام و حشایانه‌ای در روز شهادت امام جعفر صادق (ع)، بیاتگر دوران جدیدی از حرکت‌های رژیم در برخورد با مخالفین بود. این بود که علما و مراجع قم و نجف، بر اساس مسئولیت دینی و شرعی خود، برای افشا نمودن ماهیت رژیم و آگاه کردن توده‌ها، در برابر این فاجعه سکوت را شکسته و عکس‌العمل نشان دادند. از آنجا که نوع عکس‌العمل و برخورد مراجع در مورد این واقعه یکسان نبود، لذا برای نشان دادن چگونگی عکس‌العمل آنان و نقش امام در این ماجرا، تنها به بعضی از برخوردها و موضع‌گیری‌های امام اشاره می‌شود. امام بعد از واقعه فیضیه، بسیار متأثر و ناراحت شدند و اظهار داشتند:

«اینها با من کار دارند، من هم با اینها کار دارم، چرا به مدرسه فیضیه و مردم حمله می‌کنند، مجلس سوگواری امام صادق را بر هم می‌زنند».

امام در پی این ماجرا با حضورش در میان مردم موجب دلگرمی آنان شد. این اقدام، در آن شرایط حساس، بسیار حساب شده و مؤثر بود. به این معنا که، امام قصد

۱. جهت اطلاع بیشتر از جزئیات واقعه مدرسه فیضیه، ر.ک. نهضت روحانیون ایران ج ۳ ص ۲۶۰ و زندگینامه سیاسی امام خمینی: محمدحسن رجیبی، ص ۲۱۰ و بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی: سید حمید روحانی، ج ۱ ص ۳۷۷.

۲. جهت اطلاع دقیق از آمار شهدای فیضیه و دستور عمل‌های دولت و اسناد دیگر - بایستی به اخبار و گزارش‌های شهربانی کل کشور مراجعه کرد که در دسترس نبوده است.

۳. علت این امر، نصب اعلامیه مراجع قم راجع به تحریم مراسم عید توسط طلاب، و پاره کردن آن توسط یکی از مأمورین ساواک، بوده است.

رفتن به مدرسه را داشته تا در کنار مردم باشد، که افراد حاضر و عده ای که بعداً آمدند، با اصرار زیاد مانع رفتن ایشان شدند<sup>۱</sup>. ایشان بعد از اقامه نماز جماعت مغرب و عشا در شب حادثه، برای حاضران سخن گفت، و به حاضرین شجاعت و قوت قلب بخشید. این سخنرانی در شرایطی صورت گرفت که، بسیاری از افراد و حتی مقامات روحانی، روحانیت را پس از این حمله عمال رژیم، شکست خورده، و کار نهضت را تمام شده می دانستند. مواضع امام، ترس و وحشت مردم را از بین برد. چنانکه اظهار داشتند: «ناراحت و نگران نباشید، و مضطرب نگردید، ترس و هراس را از خود دور کنید، شما پیرو پیشوایانی هستید، که در برابر مصائب و فجایع صبر و استقامت کردند»<sup>۲</sup>.

با سخنرانی امام در روز سوم فروردین ۴۲، مبنی بر دعوت از مردم جهت بازدید از مدرسه فیضیه، و عیادت از مجروحین در بیمارستانها، به طوری که امام در این سخنرانی فرمودند<sup>۳</sup>: «مردم لازم است از مدرسه فیضیه دیدن نمایند، و جنایات غیرانسانی دستگاه حاکمه را از نزدیک ببینند، و به بیمارستانها سرکشی کنند. و از روحانیون مجروح و مصدوم عیادت به عمل آورند، تا دریابند که دستگاه حاکمه با روحانیت چه کرده است»<sup>۴</sup>.

اقتدار مختلف مردم، از این دعوت استقبال نمودند. به طوری که دیدار از مدرسه فیضیه تأثیر شگرفی بر روحیه اشخاص گذاشت و اخبار و گزارشهای فاجعه در ابعاد گسترده تری در سراسر کشور منتشر شد و مردم سراسر کشور، بیشتر در عمق حوادث قرار گرفته، و نفرت خویش را از عملکرد رژیم ابراز داشتند.

صدور اعلامیه بسیار مهم و با ارزش امام در تاریخ ۱۲ فروردین ۴۲ - که بعدها به اعلامیه «شاهدوستی» معروف شد - از دیگر ابتکارات و عکس العملهای امام در جریان فیضیه جهت آگاه نمودن توده ها، و افشای عملکرد رژیم بود. در قسمتی از این اعلامیه

۱. کوثر، مجموعه سخنرانیهای حضرت امام خمینی (ره) ج ۱، ص ۵۶.

۲. بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، انتشارات راه امام تهران، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۳۵۸.

۳. کوثر: ج ۱، ص ۶۱.

۴. در سندی که دو روز بعد از ماجرای فیضیه از طرف ساواک منتشر شده، آمده است:

قرار است آیت ا... خمینی، ضمن انتشار اعلامیه ای از مخبرین خیرگزاریهای خارجی دعوت نماید که به قم رفته، و از مدرسه فیضیه که درب و پنجره آن شکسته و طلابی که مجروح شده اند، عکسبرداری و جریان را به مراکز خیرگزاریهای خود منعکس نمایند. (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده اسناد امام خمینی، سند شماره ۲۰۰/۴ مورخه ۴۲/۱/۴).

آمده است:

«شاهدوستی یعنی غارتگری، هتک اسلام، تجاوز به حقوق مسلمین، تجاوز به مراکز علم و دانش. شاهدوستی یعنی ضربه زدن به پیکر قرآن و اسلام و از بین بردن نشانه های اسلام. تجاوز به احکام اسلام. شاهدوستی یعنی کوبیدن روحانیت<sup>۱</sup>». این اعلامیه که در آن استیضاح علم به صراحت مطرح شده بود، از یک سو تهدید رژیم بود و از سوی دیگر، بیانگر حرام بودن «تقیه» و وجوب اظهار حقایق بود.

تحلیل سیاستمداران طرفدار رژیم، از سرکوبی فیضیه این بود که، روحانیون و مراجع عقب نشینی خواهند کرد، و رژیم خواهد توانست از این به بعد با ایجاد جو اختناق، هرگونه مخالفتی را سرکوب نماید. لیکن سیاستی که امام در پیش گرفته بود، قلم بطلان بر روی این تحلیل کشید. امام که راه خود را آگاهانه انتخاب کرده بود، در مبارزه با رژیم استوار بود و با صدور اعلامیه تاریخی خویش، تکلیف را بر همگان روشن نمود، و موجی از نفرت و بدبینی را نسبت به رژیم در دل توده ها و مراجع و علما ایجاد کرد. برپایی مجلس فاتحه و ترحیم برای تجلیل از شهدای فیضیه، از واکنشهای جدی و اعتراض انگیز امام بود. چنانکه اولین مجلس ترحیم در مسجد اعظم قم برپا شد و به دنبال آن مجالس ترحیم در تهران و بعضی از شهرهای بزرگ ایران برپا گشت و وعاظ و سخنرانان مذهبی، در منابر خود، فجایع رژیم در مدرسه فیضیه را مورد نکوهش قرار دادند، و این نکته در جای خود موجب بیداری توده ها گردید.

موضع گیری بسیار بجای و غافلگیرانه امام، در مورد صدور فرمان اعزام طلاب قم به سربازی:

امام بدون اینکه مرعوب این حرکت رژیم واقع شوند، طی پیامی به طلاب اعزام شده اعلام نمودند: «شما هرکجا که باشید، سربازان امام زمان (عج) می باشید، و باید به وظیفه سربازی خود عمل نمایید، رسالت سنگینی که اکنون برعهده دارید، روشن ساختن و آگاه کردن سربازان و درجه دارانی است، که با آنان سر و کار دارید، تعلیمات نظامی را با کمال جدیت فرا گیرید»<sup>۲</sup>.

۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده اسناد امام خمینی، سند شماره ۲۰۰/۱۱ مورخه ۴۲/۲/۷.  
۲. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده اسناد امام خمینی، سند شماره ۲۰۰/۱۱۶ مورخه ۴۲/۱/۲۸.

با فرارسیدن اربعین شهدای فیضیه، امام با صدور اعلامیه ای ضمن زنده ساختن یاد آن فاجعه، رسالت مقدس خویش را در جهت شناساندن دشمن اصلی اسلام و ملت انجام داده. به طوری که نوک پیکان مبارزه را متوجه شاه نمودند، و برای اولین بار سران ممالک اسلامی را مخاطب قرار داده، و با ملل مسلمان جهان اعلام برادری نمود، و از هر نوع هم پیمانی با اسرائیل ابراز تنفر نمودند<sup>۱</sup>.

### مراجع نجف و فاجعه فیضیه

انتشار خبر واقعه فیضیه، به همراه اعلامیه امام در مورد نکوهش عمل رژیم در حمله به مدرسه فیضیه و طالبیه تبریز، به یکباره تهران و سراسر ایران و عتبات عالیات را تکان داد. در مدت کوتاهی موج خشم و نفرت ناشی از فاجعه فیضیه، از مرزهای کشور فراتر رفت و حوزه های علمیه نجف و کربلا، و سایر بلاد را دربر گرفت و مراجع نجف و علمای کربلا را به اعتراض واداشت، و سیل تلگراف و اعلامیه از طرف علما و مراجع نجف برای امام و سایر مراجع ارسال شد<sup>۲</sup>. در این اعلامیه ها، ضمن محکوم نمودن حمله به مدرسه فیضیه، و اظهار همدردی با خانواده های شهدای فیضیه، مراجع نجف همه خواستار تعقیب و مجازات عاملان این واقعه شدند و تأکید کردند، چنانچه از این قوانین رفع ید نشود، آخرین وظیفه خود را انجام خواهیم داد و مسئول هر حادثه شخص شاه و هیئت دولت خواهند بود.

از میان تلگرافهای مراجع نجف، در تقبیح عمل وحشیانه رژیم در حمله به مدرسه فیضیه، تلگراف آیت ا... حکیم به ۳۲ نفر از علمای ایران، بیشتر مورد توجه قرار گرفت؛ چرا که ایشان، در این تلگراف از امام و سایر علمای قم خواسته بودند در پی وقوع حادثه فیضیه و محیط خفقانی که رژیم ایجاد نموده، دسته جمعی به عتبات عالیات مهاجرت نمایند<sup>۳</sup>. لکن امام در جلسه ای که با مقامات روحانی قم داشتند، متن تلگراف آقای حکیم را مورد بررسی قرار داده، پس از تبادل نظر، پاسخ آقای حکیم را دادند.

۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده اسناد امام خمینی، سند شماره ۲۱۳/۲۰۰ مورخه ۴۲/۲/۱۲.  
 ۲. این اعلامیه ها از سوی آقایان مراجع، آیت ا... خویی، آیت ا... شاهرودی، آیت ا... حکیم، به امام و حضرات آیات گلپایگانی، مرعشی نجفی و شریعتمداری ارسال شده است. اسناد انقلاب اسلامی ج ۱ صص ۷۵-۸۸.  
 ۳. اسناد انقلاب اسلامی: ج ۱ ص ۸۳.

نهاجم به مدرسه فیضیه، عکس العمل امام و واکنش علما

امام در صحبتی که در این باره می فرمایند، سه نکته را تذکر می دهند:  
اول اینکه، برای ما جز ادامه مبارزه چاره ای نیست، ما اینجا می مانیم، و مبارزه را  
ادامه می دهیم. زیرا رفتن ما به نجف در واقع به معنای دوری از مبارزه و به دنبال آن عدم  
ایفای یک نقش سازنده در جریانهای کشور خواهد بود.

دوم اینکه، منطبق الهی قرآن در مصاف با دشمن، «احدی الحسنین» یعنی یا شهادت  
یا پیروزی است. سخنان امام در آن روز چنین بود که، ما مقاومت می کنیم و سرانجام یا  
پیروز می شویم، یا به فوز عظمای شهادت خواهیم رسید.

سوم اینکه، اگر ما از قم خارج بشویم، انجام این کار موجب تقویت و جسارت  
شاه می شود<sup>۱</sup>.

عکس العمل مراجع نجف در برابر فاجعه فیضیه، موجب به حرکت درآمدن مردم و  
طلاب حوزه های علمیه نجف و کربلا گشت؛ به طوری که طلاب حوزه علمیه نجف به  
پیروی از مراجع بزرگ آن زمان، دست به راهپیمایی زده، و مراتب انزجار خویش را از  
رژیم با برپایی مجالس ترحیم و عزاداری برای شهدای فیضیه اعلام داشتند. از سوی  
دیگر، علمای نجف که تا آن زمان چندان حرکتی در این گونه موارد از خود بروز  
نمی دادند، بعد از فاجعه فیضیه با به محاصره درآوردن سفارت ایران در کشور عراق و  
صدور اعلامیه ای، صدای اعتراض خود را بلند کردند و با ارسال پیام، حمایت کامل  
خود را از علمای ایران اعلام داشتند<sup>۲</sup>.

این جریان ضربه سختی بر پیکر رژیم بود؛ زیرا تنها امید رژیم ایران این بود که اگر  
حمایت علمای قم را ندارد، لاقلاً می تواند از پشتیبانی علمای نجف برخوردار شود.  
واکنش مراجع و حرکت علمای نجف، به شاه این نکته را فهماند، که برنامه اجرا شده  
در فیضیه، آثاری منفی برای رژیم داشته است. بنابراین نیازمند حرکت دیگری است تا  
جلوی حرکت مراجع و علما گرفته شود و عملیات در مقیاس بیشتری به اجرا درآید.  
مؤید این مطلب، سخنرانی شاه در ۲۸ اردیبهشت ۴۲ است که تهدید می کند:

۱. رژیم، پس از اطلاع از تلگراف آیت... حکیم، به مراجع هشدار داد که حق پاسخگویی به این تلگراف را  
ندارند، و در واقع مراجع را تهدید نمود. از جمله این تهدیدات، اعزام نیروی نظامی به قم و ارسال پیام برای  
مراجع بود که حضرت امام بدون اعتنا به این تهدیدات، پاسخ تلگراف آقای حکیم را صادر کردند.

۲. سیر تکوینی انقلاب اسلامی: جواد منصوری، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ۱۳۷۳، ج ۱،  
ص ۱۳۷.

«اگر این گونه کار ما متوقف شود، دست به کشتار وسیع خواهید زد و کلیه علمایی که به نحوی در راه اندازی این آشوبها سهیم باشند، دستگیر خواهند شد»<sup>۱</sup>.

### عکس العمل مراجع قم و علمای داخل کشور

صدور فتوای حرمت «تقیه» و وجوب اظهار حقایق، از طرف امام خمینی، بعد از وقوع حادثه، در شرایطی که گمان نمی رفت کسی به حمایت از ایشان برخیزد، با شکسته شدن جو رعب و وحشت، جوش و خروشی دوباره آغاز شد، و مراجع قم (آیات گلپایگانی، مرعشی نجفی، شریعتمداری) سکوت را شکسته، و در برابر این واقعه واکنش نشان داده شد؛ که این واکنشها بیشتر به صورت صدور اعلامیه و یا نامه و ارسال تلگراف بود.

عکس العمل مراجع قم که به پیروی از واکنش امام صورت گرفت، موجب شد رژیم شاه در یک حالت انفعالی قرار بگیرد. روی این اصل برای توجیه<sup>۲</sup> فاجعه فیضیه، و اقدامات سرکوبگرانه خود، تبلیغات علیه روحانیت را گسترش دادند، به گونه ای که بتوانند روحانیت را از مردم جدا نموده، و مانع ادامه حرکت مراجع و علما علیه رژیم شوند.

این گونه واکنش عجولانه رژیم در برابر عکس العمل مراجع قم، بیانگر اهمیت نفوذ مراجع و علما در درون جامعه، و پیروی مردم از رهبران روحانی خویش - علیرغم ایجاد جو خفقان - می باشد. مراجع قم، بر اساس احساس مسئولیت شرعی خویش، نسبت به هتک حرمت مدرسه فیضیه، اعتراض نموده، و با انتشار اعلامیه، ضمن آگاه ساختن مردم، جنایت رژیم را افشا نمودند و از مردم خواستند که در برابر اقدامات رژیم بایستند. مردم و طلاب و فضلالی حوزه های علمیه، به پیروی از فرامین مراجع خویش، وارد میدان شده، و با ارسال تلگراف و نامه جهت مراجع قم، نفرت خویش را از عملکرد رژیم ابراز داشتند<sup>۳</sup>؛ به

۱. کیهان، ۲۸ اردیبهشت ۴۲.

۲. نمونه این توجیحات، مصاحبه های عمال رژیم، از جمله مصاحبه های جهانگیر تفضلی وزیر مشاور رژیم می باشد که هیچ گونه تأثیری نداشت. به طوری که در مصاحبه ۱۱ فروردین ۴۲ گفت: دیروز در مشهد و تهران و سایر شهرها حتی یک تظاهر به نفع مخالفین صورت نگرفت. روزنامه اطلاعات ۱۱ فروردین ۴۲.

۳. جهت اطلاع از مفاد نامه ها و اعلامیه های طلاب و روحانیون به همراه پاسخ مراجع ر. ک. نهضت روحانیون ایران: ج ۳ ص ۲۸۵ الی ۳۸۵.

تهاجم به مدرسه فیضیه، عکس العمل امام و واکنش علما

گونه‌ای که روحانیون تهران، قم، مشهد، شیراز، اصفهان و برخی دیگر از شهرستانها، به منظور اظهار همدردی و حمایت از حوزه علمیه قم، از روز اول تا ۶ ذیقعدہ ۱۲۸۲ هـ. ق (۶ تا ۱۲ فروردین ۴۲) دست به اعتصاب زدند، و از رفتن به مسجد، و اقامه نماز جماعت خودداری کردند. مردم شهرهای ایران نیز به پیروی از واکنش مراجع، با تعطیل نمودن بازارها، دست به اعتصاب و تظاهرات زده، مراتب خشم خویش را از اقدامات ضد اسلامی رژیم ابراز داشتند<sup>۱</sup>.

ماحصل کلام آنکه، اعلامیه مراجع قم، واقعه فیضیه را آن گونه که بود افشا کرد، و موجب شد شور و هیجان قابل توجهی در میان مردم ایجاد شود. تصور می‌رود، اگر این واقعه نبود، شاید مراجع و روحانیون نمی‌توانستند، برای مردم ماهیت رژیم را مشخص کنند. عکس‌العمل مراجع قم در برابر واقعه فیضیه، خشم رژیم را به دنبال داشت. بنابراین، جهت ایجاد جو رعب و وحشت و جلوگیری از پاسخگویی مراجع قم به تلگرافهای مراجع نجف، نیروهای نظامی را به قم روانه کرد و همزمان هیتی را برای ابلاغ پیام تهدیدآمیز شاه به منزل مراجع تقلید<sup>۲</sup> فرستاد. مراجع قم بدون اعتنا به این تهدیدها، سعی کردند در پرتو شرایط فراهم شده، نهایت استفاده را نمایند و با آگاه نمودن مردم، مانع انجام اصلاحات آمریکایی در جامعه شوند؛ که این امر حمایت گسترده اقشار مملکت مردم را به دنبال داشت. بنابراین باید گفت فاجعه فیضیه، تأثیر عمیقی بر توده مردم و روحانیت گذارد، به طوری که یکی از عوامل زمینه ساز قیام ۱۵ خرداد ۴۲ گردید.

### نتیجه گیری

با جمع بندی مطالب مطرح شده، این نتیجه حاصل می‌شود، که فاجعه فیضیه طلیعه انقلاب و تحولی بود، که سراسر کشور را دربر گرفت. به طوری که مردم آشکارا شخص شاه را مورد نکوهش قرار دادند. بدون شک این آگاهی مردم و تحول نهضت، مدیون تلاشها و عکس‌العمل مراجع قم و نجف در مقابل اقدامات ضداسلامی رژیم

۱. نمونه این اقدامات، تعطیلی بازار تهران به مدت سه روز و بسته شدن مغازه‌های جنوب شهر بود. همچنین اعتصاب و تظاهرات مردم مشهد که مانع سفر شاه به این شهر شدند، (روزنامه اطلاعات، ۱۱ فروردین ۴۲).  
۲. زندگینامه آرماتی علمی و سیاسی امام خمینی: حمید انصاری، مؤسسه تنظیم نشر آثار امام ص ۴۹.



می باشد، و موجب شد که این حرکت بعدها نیز ادامه یابد و مراجع و علما، در هر فرصت بدست آمده، به بهانه برپایی مراسم تجلیل از شهدای فیضیه، خشم خویش را از عملکرد رژیم ابراز دارند. نویسنده بر این باور است که، واقعه فیضیه سرآغاز نهضت بود، چرا که این واقعه، هم علما و مراجع قم و نجف را در مبارزه علیه رژیم متحد ساخت، و هم توده مردم ایران را به حمایت از مبارزات علما و مراجع در برخورد با اقدامات رژیم کشاند. اگرچه در آن زمان کمتر کسی تصور می کرد که عکس العمل مراجع در برابر واقعه فیضیه می تواند سرنوشت ساز باشد؛ لکن حوادث بعدی نشان داد که نكوهش عمل رژیم در مدرسه فیضیه از طرف قاطبه علما و مراجع، تا چه حد توانست ماهیت رژیم را افشا نماید و راه را برای عکس العملهای بعدی فراهم سازد. نکته ای که باید به آن پرداخت، مسئله تفاوت دید مراجع و عکس العمل آنها در ماجرای فیضیه است که این مسئله با توجه به شرایط حاکم بر آن روزگار طبیعی است. زمانی که حادثه رخ داد و خبر آن در سراسر ایران و عراق منتشر شد، مراجع به عنوان رهبران مردمی، نسبت به این موضوع حساس شده و عکس العمل نشان دادند. به دنبال آن، طلاب حوزه های علمیه و قاطبه مردم تحت تأثیر عکس العمل مراجع وارد میدان شدند و با ارسال نامه و تلگراف جهت مراجع، حمایت خود را از آنان ابراز داشتند. متقابلاً مراجع از اظهار همدردی مردم و روحانیون تشکر نمودند و عکس العمل مراجع در این واقعه تجربه ای شد. برای مقابله با دیگر اقدامات ضداسلامی رژیم که اوج این مسائل در سالهای ۵۶ و ۵۷ تجلی پیدا کرد. که در نهایت به پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی انجامید.